

Received: 2024/4/29

Accepted: 2024/10/12

from 161 to 181

Mohammad Ghaderi Bafi

PhD student. Department of Quran and Hadith Sciences. Faculty of Theology. Ferdowsi University. Mashhad. Iran. mghaderi36@yahoo.com

Mohammad Ali Rezaei Kermani

Associate Professor. Department of Quran and Hadith Sciences. Faculty of Theology. Ferdowsi University. Mashhad. Iran. (Corresponding Author) rezai@um.ac.ir

Hassan Naghizadeh

Professor. Department of Quran and Hadith Sciences. Faculty of Theology. Ferdowsi University. Mashhad. Iran. naghizadeh@um.ac.ir

Keywords:

spiritual health, family, emotional education, kindness, pleasantness, component of emotional exchange.

Analysis of the focal component of the spiritual health of the family in the field of emotional education Emphasizing its indicators and identifiers from the perspective of the Qur'an and Hadith

Abstract

The spiritual health of the family means that the family has a purposeful and harmonious point of view with the system of creation in line with the worship of the Lord of existence, which plays a fundamental and prominent role in directing emotions and influencing the performance of its members. The spiritual health of the family can be explained in three areas: insight, emotional and behavioral. The purpose of this research is to discover the most basic component of the spiritual health of the family in the emotional field and design its indicators and identifiers from the perspective of the Qur'an and hadiths.

This research has been done by analyzing verses and narrations by descriptive-analytical method and library study. The findings of the research show that "positive emotional exchange" is the central component of the spiritual health of the family in the emotional field. This focal component, as a big emotion, affects all dimensions of family life and gives direction to other emotions in life and creates the background of family peace. This focal component has two indicators of "kindness" and "good manners". The index of affection has the indicators of "expressing honest feelings in the family", "speakability" and "kissing children" and the index of good manners has the indicators of "smile" and "decoration of the face".

تحلیل مؤلفه کانونی سلامت معنوی خانواده در حیطة تربیت عاطفی با تأکید بر شاخص‌ها و معرف‌های آن از منظر قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۱
از صفحه ۱۶۱ تا صفحه ۱۸۱

چکیده

سلامت معنوی خانواده به معنای برخورداری خانواده از دیدگاهی هدفمند و هماهنگ با نظام خلقت در راستای عبودیت پروردگار هستی است که در جهت‌دهی عواطف و اثرگذاری بر عملکرد اعضای خود نقش اساسی و برجسته‌ای دارد. سلامت معنوی خانواده در سه حیطة بینشی، عاطفی و رفتاری قابل تبیین است. هدف این پژوهش، کشف اساسی‌ترین مؤلفه سلامت معنوی خانواده در حیطة عاطفی و طراحی شاخص‌ها و معرف‌های آن از منظر قرآن و روایات است. این تحقیق با تحلیل آیات و روایات به روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد «تبادل عاطفی مثبت» به‌عنوان مؤلفه کانونی سلامت معنوی خانواده در حیطة عاطفی است. این مؤلفه کانونی به‌عنوان یک عاطفة کلان، در همه ابعاد زندگی خانوادگی اثر گذاشته و به سایر عواطف در زندگی جهت داده و زمینه آرامش خانوادگی را ایجاد می‌کند. این مؤلفه کانونی دارای دو شاخص «مهرورزی» و «خوش‌رویی» است. شاخص مهرورزی دارای معرف‌های «ابراز احساسات صادقانه در خانواده»، «خوش‌گفتاری» و «بوسیدن فرزندان» است و شاخص خوش‌رویی، دارای معرف‌های «تبسم» و «آراستگی چهره» است.

محمد قادری بافی

دانشجوی مقطع دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
mghaderi36@yahoo.com

محمد علی رضایی کرمانی

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
rezai@um.ac.ir

حسن نقی‌زاده

استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
naghizadeh@um.ac.ir

واژگان کلیدی:

سلامت معنوی، خانواده، تربیت عاطفی، مهرورزی، خوش‌رویی، مؤلفه تبادل عاطفی.

در عصر حاضر، بیش از هر زمان دیگر، نظام خانواده در معرض هجوم عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است و با توجه به مکاتب مختلف فکری تربیتی، چالش‌های بیشتری را فراروی خود در زمینه مولفه‌های سلامت معنوی خانواده می‌بیند. تعریف خاص مکاتب غربی درباره انسان که او را در جسم و روان خلاصه نموده است و نوع نگاه و بینش ایشان به خانواده و جایگاه آن، نسبت به ارکان سلامت معنوی خانواده نیز مؤثر بوده است به گونه‌ای که در برخی از این مکاتب، بدون خدا هم می‌توان سلامت معنوی خانواده را تأمین نمود (مشکی، ۱۳۹۶، ص ۱۵)؛ چرا که سلامت معنوی را صرفاً معطوف به کارکردها و اهداف مادی آن می‌دانند که تنها احساس راحتی، آرامش و امید زودگذر در این دنیا، احساس انرژی مثبت، نشاط، پیشگیری از بیماری‌ها و از این دست موارد است.

قطعاً این‌گونه تعریف از سلامت معنوی در خانواده با برخی از آموزه‌های دینی همانند امر به معروف، نهی از منکر، جهاد، ایثار، یاد مرگ و... تعارض دارد. از نگاه دینی فقط دین‌داری سالم است که می‌تواند سلامت معنوی خانواده را به‌عنوان واحد بنیادین هر اجتماع تأمین نماید و سایر راه‌ها تنها آرامش مقطعی را به همراه خود دارد. خانواده سالم، بهترین بستر رشد فرهنگی و تربیتی سلامت جسم و روان و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها، پرورش عاطفی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه به‌شمار می‌آید و مهم‌ترین رکن سلامت خانواده نیز بعد معنوی آن است.

یکی از ضرورت‌های پرداختن به موضوع حاضر این است که اساساً جامعه‌ای از سلامت برخوردار است که از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰). از این‌رو بُعد سلامت معنوی خانواده نسبت به سایر ابعاد سلامت اولویت دارد. به‌ویژه اینکه مهم‌ترین نهاد اجتماعی از نگاه دینی است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان یک وظیفه بر دوش دولت‌ها جهت تأمین سلامت و سیاست‌گذاری در این زمینه گذارده شده است (امیدواری، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

با توجه به ابلاغ سند سیاست‌های کلی خانواده از سوی رهبر معظم انقلاب مبنی بر «ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵) و همچنین ابلاغیه معظم له در سیاست‌های کلی سلامت مبنی بر «ارتقای سلامت روانی جامعه با ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تحکیم بنیان خانواده، رفع موانع تنش‌آفرین در زندگی فردی و اجتماعی، ترویج آموزش‌های اخلاقی و معنوی و ارتقای شاخص‌های سلامت روانی» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳) ضرورت تبیین شاخص‌های سلامت معنوی را در خانواده از نگاه قرآن و روایات جهت پرهیز از سوءبرداشت‌ها از این مفهوم انتزاعی، مشخص می‌کند تا از نگاه حاکم بر این مفهوم در جهان علمی سکولار جداسازی شود.

آنچه این نوشتار در صدد پاسخ به آن است، بررسی و تحلیل اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه سلامت معنوی خانواده در حیطه تربیت عاطفی بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی و ارائه شاخص‌ها و معرف‌های آن بر اساس منابع وحیانی است که گاهی مفاهیم مؤلفه، شاخص و معرف

در مقالات دچار التقاط گردیده است و از هم جدا نگردیده است. به این دلیل بعد از روشن شدن اساسی‌ترین مؤلفه سلامت معنوی خانواده در حیطه تربیت عاطفی، شاخص‌هایی با معرف‌های خاص خود با روش توصیفی تحلیلی اسنادی به دست می‌آید که با شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به دو منبع معرفتی و حیانی (قرآن و روایات) به استخراج آنها می‌پردازد و با بررسی آیات و احادیث هم معنا و مرتبط و بر اساس تحلیل داده‌ها، آن‌ها را تبیین می‌نماید و با نگاهی راهبردی می‌تواند راهبردهای فرضی و راه کارها را به دنبال داشته باشد.

۲- پیشینه

با توجه به مفهوم انتزاعی سلامت معنوی، پژوهش‌هایی که در زمینه تبیین این مفهوم نگاشته شده است، به چند دسته تقسیم می‌گردد: الف) نگاشته‌های کلی پیرامون مفهوم سلامت معنوی، ب) نگاشته‌های پیرامون سلامت معنوی از دیدگاه اسلام، ج) نگاشته‌های پیرامون سلامت معنوی در خانواده که در این خصوص بیشتر نگاشته‌ها به حوزه سلامت روان پرداخته‌اند و یا در صورت پرداختن به آن، با نگاه دینی آن را بررسی نکرده‌اند و در موضوع بعد تربیت عاطفی کمتر توجه نموده‌اند.

نزدیک‌ترین آثار پژوهشی مرتبط با نگاشته حاضر عبارتند از: پایان نامه «بررسی جایگاه سلامت معنوی در تعلیم و تربیت از منظر قرآن و روایات» از اسما جعفری زاده (۱۳۹۴)؛ پایان نامه «مبانی و شاخص‌های سلامت معنوی در قرآن و حدیث» از مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۶)؛ «نقش معنویت بر نظام سلامت خانواده از دیدگاه اسلام» از افسانه بختیاری و همکاران (۱۳۹۸)؛ کتاب «سلامت معنوی در خانواده؛ مؤلفه‌ها و راهکارها» از مسلم موحدی راد (۱۴۰۱)، مقاله «زن و سلامت معنوی در خانواده» از مریم صف آرا و سیده فازه صفدرزاده (۱۳۹۶)

شایان ذکر است بسیاری از نگاشته‌ها به بررسی بالینی و موردی در این خصوص پرداخته‌اند که در ذیل به مواردی اشاره می‌شود: مقاله «بررسی تأثیر خشونت در خانواده بر ابعاد سلامت روان زنان باردار مراجعه کننده به مراکز سلامت جامعه شهر گناباد در سال ۱۳۹۴»؛ «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت معنوی دانش آموزان مقطع متوسطه مراغه»؛ «بررسی رابطه سلامت معنوی و انسجام خانواده در بین دانشجویان علوم پزشکی اصفهان»

امتیاز مقاله حاضر از سه جهت قابل توجه است: ۱. از حیث موضوع شناسی مؤلفه‌های سلامت معنوی آثار ارزنده‌ای تولید شده است ولی در حوزه «خانواده» و خصوصاً تولید شاخص‌هایی که غالباً کیفی و به ظاهر غیرقابل اندازه‌گیری هستند، کاری دشوار و البته بسیار کاربردی است و این نوشتار در جستجوی ارائه آن است. ۲. بسیاری از پژوهش‌ها از بر اساس منابع روان‌شناسی و علوم تربیتی نگاشته شده‌اند؛ اما پژوهش حاضر کاملاً بر اساس منابع دینی و قرآن و حدیث نگاشته شده است. ۳. ساحت تربیت عاطفی، مهم‌ترین ساحت تربیتی در سلامت معنوی خانواده است. اگرچه مقالات متعددی درباره تربیت عاطفی از منظر قرآن و حدیث نگاشته شده است؛ اما جایگاه و رابطه آن با سلامت معنوی کمتر مورد بحث قرار گرفته است. پژوهش حاضر در حقیقت به این

خلاً سه‌گانه می‌پردازد.

۳- مفهوم‌شناسی

۱-۳- مفهوم مؤلفه و شاخص

منظور از «مؤلفه» در این نوشتار «اجزای تشکیل دهنده یک مفهوم که بدون در نظر داشتن آن عناصر نمی‌توان آن مفهوم را تجزیه و تحلیل نمود» می‌باشد و منظور از «شاخص» نیز «ابزاری یا ارزشی که برای تشخیص یک مفهوم به کار می‌رود و در حقیقت معین‌کننده آن مفهومی است که قابلیت اندازه‌گیری دارد.» (آراسته‌خو، ۱۳۸۱، ص ۴۸) و تبیین هر یک از شاخص‌ها نیاز به نشانگرهایی دارد که از آن به «معرف» تعبیر می‌شود. باید دانست اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌های سلامت معنوی خانواده در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری به شکل رابطه متقابل و متعکس بین آنهاست.

۲-۳- مفهوم سلامت معنوی

مراد از «سلامت» بنابر آنچه در تعریف سازمان بهداشت جهانی آمده است عبارت است از: «تأمین رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی، نه اینکه فقط نبودن بیماری و نقص عضو منظور باشد» (عزیزی، ۱۳۹۳، ص ۱۰). در بسیاری از اسناد بین‌المللی منظور از سلامتی علاوه بر سلامت جسم و سلامت روان، دو بعد دیگر آن یعنی سلامت اجتماعی و سلامت معنوی نیز می‌باشد (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵).

اجماعی درباره مفهوم سلامت معنوی وجود ندارد. برخی ادعا کرده‌اند که تعریف پذیرفته شده عام از سلامت معنوی وجود ندارد. (همان) حتی برخی از نویسندگان درباره این مطلب که آیا بحث سلامت معنوی در گستره علوم اسلامی می‌گنجد یا در گستره علوم پزشکی باید از آن گفت‌وگو شود و یا تقسیمی در این بین مطرح است مقاله نوشته‌اند (مظاهری سیف، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷). البته منشأ اختلاف در تعریف سلامت معنوی وجود تفاوت و اختلاف در جهان‌بینی و نوع نگرش به آن است و به همین دلیل برخی از پژوهشگران دو تعریف برای آن ارائه داده‌اند، یک تعریف برای «سلامت معنوی حداقلی» و یک تعریف برای «سلامت معنوی حداکثری» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۵، ص ۱۹).

سلامت معنوی با مفهوم غربی خود، لااقل دو مؤلفه عمده دارد: نخست این که کارکردگرا است؛ یعنی هدف، تنها احساس راحتی، آرامش و امید زودگذر در این دنیا، احساس انرژی مثبت، نشاط، پیشگیری از بیماری‌ها و از این دست موارد است و دوم این که ماهیتاً سکولار است. این نوع تعریف کارکردگرایانه از سلامت، آسیب‌هایی را مانند قرار دادن اعمال عبادی مانند نماز در ردیف تهرین‌های مدیتیشن و یوگا و همچنین ناپسند شمرده شدن معنوی‌ترین اعمال مانند توبه و حیا و عادی‌سازی گناه و خطا در پی دارد که نتیجه آن معنویت سکولار خواهد بود و دیگر ابزاری برای سنجش مسائل معنوی مانند تقرب الهی را نداریم؛ لذا اگر کسی برای رسیدن به مقام

قرب الهی متحمل درد و رنجشود و یا لذتی مادی را برای رسیدن به لذت‌های والا تر فدا کند، باید بگوییم که سلامت معنوی ندارد و انسان سالمی قلمداد نخواهد شد!

نظریه‌پردازان علوم انسانی سه دیدگاه عمده را در زمینه مفهوم سلامت معنوی بیان کرده‌اند:

(الف) سلامت معنوی هدفی است که از دو طریق می‌توان به آن رسید. یکی راه مذهبی و دیگری راه غیرمذهبی؛ لذا افراد غیرمذهبی هم می‌توانند از سلامت معنوی برخوردار باشند. (ب) سلامت معنوی دو قسمت دارد، یکی در ارتباط انسان با خالق که مرتبط می‌شود به مذهب و دیگری در ارتباط انسان با خود، جامعه و محیط که مرتبط است با مسائل روان‌شناختی اجتماعی؛ و این قسمت دوم ارتباطی با مذهب و دین ندارد.

(ج) تنها از طریق مذهب می‌توان به سلامت معنوی رسید و معنویت سکولار، قادر به تأمین سلامت معنوی انسان در دنیا نیست. (برای اطلاع از تعریف‌های ارائه شده ر.ک. نوبری، ۱۳۹۷، ص ۶۵).

در تعریف معنویت لازم است به چند مطلب توجه نمود: (الف) مبانی انسان‌شناسی سلامت معنوی، (ب) نگاه درون دینی به آن و اجتناب از تعاریفی که در سایر مکاتب و ادیان برای معنویت شده است، (ج) توجه به جنبه‌های سلبی و ایجابی.

آنچه در این مقاله به‌عنوان تعریف سلامت معنوی مفروض گرفته شده است این تعریف شرح الاسمی است: «برخورداری انسان از دیدگاهی هدفمند و هماهنگ با نظام خلقت در راستای عبودیت پروردگار هستی که در جهت‌دهی عواطف و اثرگذاری بر عملکرد انسان نقش اساسی دارد». البته باید دانست که سلامت معنوی هم نقش درمانی دارد و هم نقش پیشگیرانه؛ اما مهم‌ترین اثر آن بعد پیشگیرانه بودن آن است. راه رسیدن به سلامت معنوی از شکوفایی استعدادهای آدمی از مسیر همین امور دنیوی و مادی است و لذا تعبیر به سلامت معنوی پیامدگرا اگر با نظام خلقت هماهنگ باشد و در مسیر عبودیت پروردگار قرار گیرد را می‌توان گفت منافاتی و تعارضی با تعریف ارائه شده ندارد.

«سلامت معنوی» مفهومی دارای مراتب است همان‌طور که در برخی از ادعیه، عبارت «عافیة ... نامیة» استفاده شده است (صحیفه سجادیه، دعای ۲۳) که نوعی نمو و رشد و تزاید را می‌رساند و این نکته با توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای هر شخص ظهور می‌یابد و به تعبیر دانشمندان علم منطق از مقوله تشکیک است.

۳-۳- مفهوم خانواده

مفهوم خانواده اگرچه جزء مفاهیم روشن است؛ اما تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. پژوهش حاضر و کشف مؤلفه کانونی سلامت معنوی در خانواده آنگاه به درستی مشخص می‌شود که تعریف صحیحی از آن ارائه شود؛ حداقل از میان تعاریف موجود، تعریف برگزیده روشن گردد. تعریف برگزیده این پژوهش از مفهوم خانواده عبارت است از: «خانواده واحد اجتماعی دارای سیستم ارتباطی مخصوصی است که از طریق ازدواج مشروع، یا تولد و یا فرزند خواندگی به وجود می‌آید». خانواده بر اساس نسبت‌ها و ارتباط با یکدیگر در خانواده، احکام و حقوق خاصی را به

خود اختصاص داده است که در اصطلاح خانواده هسته‌ای گفته می‌شود (سالاری فر، ۱۳۹۸، ص ۱۳). علت انتخاب این تعریف از بین تعریف‌های دیگری که برای خانواده شده است هماهنگی بیشتر این تعریف بر اساس مسئولیت‌های افراد نسبت به سایر اعضای خانواده با اهداف قرآن در تشکیل نظام خانواده است که پدر و مادر رکن اصلی خانواده و فرزندان شاخه‌های آن می‌باشند. با توجه به تعاریفی که برای مفهوم سلامت معنوی و خانواده بیان شد، باید گفت: اجزای تشکیل‌دهنده اصلی و اساسی خانواده به‌عنوان یک نهاد و شخصیت اجتماعی در بعد سلامت معنوی آن، دارای مراتب و به این معنا است: «برخورداری خانواده از دیدگاهی هدفمند و هماهنگ با نظام خلقت در راستای عبودیت پروردگار هستی که در جهت‌دهی عواطف و اثرگذاری بر عملکرد اعضای خود نقش اساسی و برجسته‌ای دارد». این معنا در سه حیطه بینشی، عاطفی و رفتاری قابل‌تبیین است.

با توجه به ابعاد مختلف انسان، می‌توان تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری را منکر شد که شواهد قرآنی و روایی بسیاری در این زمینه وجود دارد (باقری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۰) و لذا تفکیک بین این ابعاد مطلوب نیست که اگر چنین باشد ما را به سکولاریسم می‌رساند؛ زیرا ابعاد رفتاری مؤمن با غیر مؤمن به دلیل باورمندی به خدا متفاوت است؛ چرا که در نگاه و بینش مؤمن، دیگران خانواده خدا هستند و متنی در خدمت به دیگری نمی‌بیند و بر این باور است که: «مردم عائله خدا هستند؛ پس محبوب‌ترین شخص نزد خدا، آن است که به عائله او سود رساند و خانواده‌ای را خوشحال کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴) و این نکته کلیدی اساس روابط درون خانه است.

۴- مؤلفه کانونی سلامت معنوی خانواده

با توجه به ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری انسان، حیطه عاطفی مهم‌ترین کارکرد را در سلامت معنوی خانواده دارد؛ چرا که محوری‌ترین کانون در حوزه خانواده به محبت و مودت بر می‌گردد که جایگاه آن در حوزه عاطفه، احساسات و قلب است و اساساً خداوند متعال یکی از اهداف مهم در ازدواج آرامش و رابطه محبت و مودت میان زوجین اعلام نموده است (روم: ۲۱). برقراری روابط عاطفی، نقش مهمی در سلامت معنوی، استحکام و سازگاری زن و شوهر و همچنین حسن رابطه سایر اعضای خانواده با یکدیگر دارد.

بدیهی است با توجه به تعریفی که برای خانواده بیان گردید اجزای هر خانواده متشکل از مادر، پدر و فرزندان است که ظهور و بروز محبت در مادر خانواده است، قدرت و مدیریت، متوجه پدر خانواده است، رقابت سالم و صحیح بین فرزندان آنها است و همدلی و تفاهم نیز در بین کلیه اعضای خانواده می‌باشد.

از طرف دیگر، علوم تجربی به‌رغم محدودیت‌های جدی‌اش در تبیین حالات روحی انسان، به این واقعیت اذعان دارد که خانواده کانونی‌ترین و مهم‌ترین بستر و نهاد اجتماعی است که نیازهای عاطفی فرد را می‌تواند تأمین نماید. در نگرش وحیانی اسلام، دلبستگی اعضای خانواده به یکدیگر

بر اساس فطرت و نوع آفرینشی است که خداوند متعال ایشان را آفریده است. زن و مرد به تنهایی ناقص هستند و بر مبنای نقص وجودی که دارند به سوی همدیگر تمایل می‌یابند و این همان شهوت و تمایل درونی آنهاست که به ازدواج‌کشانده می‌شوند و خانواده شکل می‌گیرد و از آنجا که بقا و دوام خانواده فراتر از کشش‌های غریزی است و نیاز به نیروی پایدارتری دارد خداوند میان زن و شوهر علقه عاطفی مودت و رحمت را ایجاد می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۴۹)

قلب منشأ و سرچشمه اصلی عواطف انسانی است، آرامش و آسایش در خانواده بر بنیاد قلب‌های سالم و مهربان استوار است. اعضای خانواده به‌خصوص پدر و مادر به‌عنوان ارکان اصلی خانواده وظیفه دارند به سبب نعمت مودتی که خدا به ایشان عنایت کرده است، از محبت و مودت قلبی خود نسبت به دیگری مراقبت نموده و اجازه ندهند که قلبشان آلوده به انواع آسیب‌ها، کینه‌ها و بدبینی‌های ویرانگر گردد.

حضرت علی^(ع) می‌فرماید: قلب کانون تمایلات عاطفی است، مجموعه‌ای از خواهش‌های حکیمانه و ضد آن در آن جمع می‌باشد. پس هر کوتاهی و کندروی در تمایلات، برای بشر زیان‌آور است و هر افراط و تندروی نیز مایه فساد و تباهی است (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۷).

قرآن کریم، بعد عاطفی خانواده را به صورت‌های گوناگون و در ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار داده است. نمونه‌ای از آن را می‌توان در مورد ارتباط فرزند با پدر و مادر مشاهده نمود که فرموده است: و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر (اسراء: ۲۴). این تعبیر کنایه از تسلیم است، یعنی باید نسبت به والدین کوچکی کرد و تسلیم اوامر آنها شد و خود را نسبت به آنها از روی محبت و مهربانی و نه از روی کره و اجبار ذلیل دانست (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۳۹).

سلامت قلب یکی از کلیدواژه‌های اساسی در سلامت معنوی خانواده است، قلب سالم قلبی است که در دو حوزه حب و بغض رشد کرده است: محبتش از لحاظ کمی و کیفی رشد نموده و تمامی عالم و هستی را دربرگرفته و غضبش نیز از رشد لازم برخوردار بوده و از جایگاه غریزی خود آزاد گردیده است و البته به همراه وظیفه‌ها گسترش می‌یابد. بر اساس آیات نورانی قرآن، اندیشه و اعتقاد سالم به‌عنوان ریشه و زیربنای عاطفه سالم قلمداد می‌شود و عاطفه ناسالم نیز از اعتقاد نادرست شکل می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵) بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است؛ لذا این مؤمنان هستند که توانسته‌اند حب و بغض خود را کنترل نموده و درجه والای آن را برای خدا قرار داده‌اند و محبت‌های دیگر را بر اساس این قله جهت‌دهی می‌نمایند و در مقابل نیز باید بدانیم عکس این قضیه صادق است (اعراف: ۵۸). در واقع حرکت در مسیر محبت خدا در حد اعلی و برتر آن، همان حرکت در مسیر سلامت معنوی است که این مسئله در خانواده بیشتر ظهور و بروز دارد. دل پاک و دل بد مثال دیار خوب و بد است که با آب یکسان سیراب می‌شوند؛ ولی میوه‌ها بر حسب تفاوت دیار متفاوت است (صادقی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۱۸۵)؛ لذا محیط خانواده اگر همانند زمین پاک باشد با آمدن باران و عوامل رشد و نشاط، تحرک پیدا

می‌کند و به رشد و سلامتی می‌رسد و گرنه نزول باران به‌تنهایی برای رساندن خانواده به سلامتی و خوبی کفایت نمی‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۴۹). قلب سالم نیز آن چنان قلبی است که از دنیا بزرگ‌تر شده باشد و دنیا را برای خودش زندان ببیند (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴، ص ۲۶) و لذا خود را از حوادث گسترده‌تر می‌داند. اگر تغییر در دل صورت نپذیرفته باشد و وسعتی نیامده باشد و در همان شکل غریزی باقی مانده باشد، در واقع سلامت دل ضایع گردیده است و از رشد و توسعه‌اش جلوگیری نموده است.

۴-۱- مؤلفه کانونی «تبادل عاطفی مثبت»

سنگ بنا و پایه تمامی روابط خانواده، محبت و مودت است. تعهد مرد نسبت به زن و بالعکس از ضرورت‌های یک زندگی سالم معنوی است. محبت در اینجا به دو معنا است: دوست داشتن و مورد محبت واقع شدن که هر دو از نیازهای اساسی هر انسانی است.

عاطفه در روان‌شناسی به معنای «توضیحات حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می‌کند» است (داورپناه، ۱۳۷۸، ص ۱۵) و گاه به این معنا نیز به کار رفته است: «انجذاب نفسانی که یک انسان نسبت به انسان دیگر در خود احساس می‌کند و می‌توان آن را به رابطه بین آهن و آهن ربا تشبیه نمود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲۷).

بروز عواطف، آرامش و رابطه محبت و مودت از اهداف مهم در ازدواج، میان زوجین است. خداوند متعال به اصل وجود عشق و محبت متقابل بین زن و شوهر اشاره فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

گر چه برخی از مفسران خطاب آیه را مردان قرار داده‌اند؛ ولی برخی دیگر نیز خطاب را عام گرفته و زن و مرد را شامل می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۲؛ خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۴۷) و البته «لکم» نیز اشاره به انتفاع برای جنس انسان دارد که خداوند متعال برای نفع رساندن به انسان‌ها ازدواج را قرار داده است.

در تفاوت بین محبت و مودت و رحمت، علامه طباطبائی بر این باور است که «مودت» به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد و «رحمت»، به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶) البته برخی مودت را غالباً ناظر به ابتدای زندگی و رحمت را ناظر به ادامه و پایان زندگی می‌دانند که یک‌جانبه و ایثارگرانه است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۹۱).

زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند، و این دو با هم و مخصوصاً مادر، فرزندان کوچک‌تر را به دلیل ضعف و ناتوانی ایشان ترحم می‌نمایند. از سیاق آیه به دست می‌آید که

مراد از «مودت و رحمت» در آیه همان مودت و رحمت خانوادگی است، گر چه اگر به اطلاق آیه تمسک کنیم اطلاق آیه شامل عموم مردم می‌گردد که در میان افراد جامعه مشاهده می‌شود. یکی از افراد وقتی همشهری خود را می‌بیند، با او انس می‌گیرد و احساس محبت می‌کند و به ناتوانان شهر خود که نمی‌توانند قیام به واجبات زندگی خود داشته باشند، ترحم می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

باید دانست که منظور از «جعل» در این آیه جعل تکوینی نیست که بلافاصله به صورت کاملاً جبری و بدون اختیار، بعد از اجرای صیغه عقد، محبت بین همسران در مرحله شدید آن اتفاق بیفتد، بلکه اصل محبت را خداوند قرار داده و سپس به زوجین دستور می‌دهد که این محبت را زیاد کنند و ازدیاد محبت نیز عمل نمودن به اسباب آن است که باعث مهرورزی بین آنها می‌گردد. البته هنگامی که انسان زنی را به همسری خویش برگزیند طبعاً نسبت به او احساس علاقه می‌کند. ولی همچنان بین زن و مرد تدریجاً عواطف خاصی بوجود می‌آید و رشد می‌کند و برای پیدایش این رابطه عاطفی در تکوین و تشریح نیز ابزارهایی منظور شده است (بی‌ریا، ۱۳۷۱، ص ۲۳).

در خانواده اسلامی اعضای خانواده همدیگر را قلباً دوست دارند، یعنی از دیدن همدیگر شاد گردیده و از ندیدن یکدیگر حقیقتاً دل‌تنگ می‌شوند. ضرورت صداقت عاطفی و این‌که اعضای خانواده باید صادقانه همدیگر را دوست داشته باشند و آن را ابراز نمایند از روایات مختلف به دست می‌آید. دل‌بستگی صادقانه یکی از شاخص‌های اساسی سلامت معنوی خانواده است که به صورت برجسته در سیره خانوادگی معصومان^(ع) قابل مشاهده است. روابط عاطفی در برترین خانواده هستی؛ یعنی خانه حضرت علی^(ع) و حضرت فاطمه^(س) بسیار عمیق بود و به گونه‌ای بود که پنج‌تن آل عبا در گفت‌وگو با یکدیگر چنین ابراز می‌داشتند و می‌فرمودند: جان من فدای شما و نگهبان و حافظ شما (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۷۳۵). در ارتباط عاطفی بین این دو بزرگوار و عشق وافر حضرت علی^(ع) به حضرت فاطمه^(س) می‌توان گفت که این شدت محبت را می‌توان از کلمات حضرتش در فراق صدیقه طاهره^(س) به دست آورد که فرمودند: صبرم کم شده و توان خویش‌تن‌داری برابم مانده تا آنکه در دار آخرت با تو باشم (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۰).

در واقع عواطف جز یکسری احساسات مثبت و یا منفی چیز دیگری نیست و باورهای عاطفی قلبی، نفس همین احساسات است. همه انسان‌ها بر مبنای نوع احساسات قلبی که دارند، راجع به خود قضاوت نموده و رفتارهای عاطفی خود با دیگران را سامان می‌دهند؛ لذا صداقت عاطفی در مناسبات عاطفی انسان‌ها عموماً و در خانواده به‌طور خاص دارای جایگاه مبنایی می‌گردد. از حضرت علی^(ع) مکرراً نقل شده است که با نگاه به فاطمه^(س) حُزن و اندوه از من رخت بر می‌بندد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۳۴).

صادقانه دوست داشتن، شاخص مهمی در مناسبات عاطفی خانواده و سنگ بنای زندگی خانوادگی محسوب می‌شود و موجب تقویت دل‌بستگی‌های صادقانه در بین اعضای خانواده می‌گردد. خانواده کانون عاطفی است که صرفاً بر اساس روابط صادقانه عاطفی، استوار گردیده و تنها در چارچوب ابراز عواطف مثبت و پرهیز از بروز عواطف منفی و مخرب دوام می‌آورد. تظاهر به محبت، دروغ

رفتاری است که از جلب محبت واقعی و قلبی دیگران عاجز می‌باشد. دامنه حمایت عاطفی گسترده است و فقط به زوجها و والدین خلاصه نمی‌شود، بلکه فرزندان نیز در این عاطفه و مهرورزی سهیم‌اند. مهربانی و ترحم والدین به فرزند، باید از مهربانی او به ایشان بیشتر باشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۲۲۲) و بر همین اساس هم خدا بر بندگانش ترحم می‌نماید (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰).

چنین محبتی با جلوه‌های گوناگونش مهمترین منبع تغذیه عاطفی و روحی آنان است که ثمرات آن در همه وجوه شخصیتی و زندگی آنان رخ می‌نماید. ابراز محبت و عواطف مثبت والدین نسبت به فرزندان موجب دوستی و علاقه آنان شده و استحکام روابط فرزندان با والدین را در پی دارد (استادی و سالاری‌فر، ۱۳۹۵، ص ۴۵).

روان‌شناسان بر نقش مهم محبت و ارضای این نیاز به عنوان یک اصل اساسی در سلامت روانی تأکید دارند و عدم تأمین آن موجب سازش نایافتگی در رفتار شخص می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۷). در بررسی و تحلیل این مؤلفه کانونی، لازم است به شاخص‌های آن و سپس معرف‌های آن نیز اشاره نماییم.

شایان ذکر است منطق‌گزینش شاخص‌های زیر مبتنی بر نکات ذیل است. اولاً تأکید آیات قرآن کریم بر جعل رحمت بین زوجین، دلالت بر شاخص‌سازی آن دارد. از طرفی تکرار و کثرت روایات در این زمینه دلالت بر محوری بودن این شاخص‌ها دارد. ثالثاً در بخش معرف‌ها توجه به مصادیق پرکاربرد در حوزه خانواده و ارتباطات درون خانوادگی، ما را به آن رهنمون می‌سازد. ناگفته نماند علاوه بر شاخص‌ها و معرف‌های مذکور در این مقاله، موارد دیگری در مؤلفه‌های معنایی و رفتاری نیز احصا شده است و در مقالات دیگری به نام «تحلیل و بررسی مؤلفه معنایی سلامت معنوی خانواده در حیطه شناختی و شاخص‌های آن از منظر قرآن و حدیث» و «مؤلفه رفتاری سلامت معنوی خانواده با تأکید بر شاخص‌ها و معرف‌های آن از منظر قرآن و حدیث» از همین نویسنده ارائه شده و در دست چاپ است.

۴-۱-۱- شاخص مهرورزی

آنچه از کارکردهای خانواده سالم در حوزه تربیت عاطفی می‌توان در بیان آیات و روایات به دست آورد، دو محور اساسی است: ایجاد آرامش روانی برای اعضای خانواده و ارضای نیازهای عاطفی که اگر این هر دو تأمین گردیدند خانواده در بعد تربیت عاطفی، سلامتی خود را تأمین نموده است. یکی از شاخص‌های اساسی برای تأمین هر دو محور، ابراز عواطف و تمایلات و مهرورزی است که معرف‌های مختلفی دارد؛ چرا که می‌تواند از طریق زبان و کلام باشد و یا از طریق زبان حال باشد که امروزه از آن به‌عنوان ارتباط غیرکلامی یاد می‌کنند.

افراد خانواده همان‌گونه که با گفتن کلمات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند، از طریق زبان حال نیز به تبادل عواطف خویش می‌پردازند. در جامعه بشری شیوه مفاهمه بر اساس ارتباط کلامی است، اما در محیط خانواده و در حوزه تعاملات عاطفی، این مبادله نمادهای غیرکلامی

است که نقش بی‌بدیلی را در تعاملات عاطفی ایفا می‌نماید و به تعبیر حضرت علی^(ع) زبان حال، دقیق‌تر و راست‌گوتر از ارتباط کلامی صرف است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۳). یافته‌های روان‌شناسان حاکی از آن است که خانواده‌های سالم، شش ویژگی مهم دارند: همبستگی بیشتر، انعطاف‌پذیری بیشتر، ارتباط بهتر، روابط زناشویی نزدیک‌تر، روابط نزدیک والد و فرزند، درگیری کمتر خانوادگی (موسوی، ۱۳۷۹، ص ۹۲). در ادامه، معرفیها و نشانه‌های این شاخص را که از آیات و روایات به دست آمده است تبیین می‌نماییم:

۴-۱-۱-۱- معرف اول: ابراز احساسات صادقانه در خانواده

آنچه در روان‌شناسی مطرح است این است که مردها به لحاظ روانی مغرور هستند، به مسائل ریز زندگی کمتر توجه می‌نمایند و زحماتی را که در زندگی متحمل می‌شوند را نشانه دلبستگی و علاقه خود به خانواده دانسته و معمولاً علاقه‌مندی خویش را به همسر ابراز نمی‌کنند؛ اما زنان در نقطه مقابل هستند؛ یعنی به ظرافت‌ها و نکات ریز زندگی توجه بیشتری داشته و خواهان اظهار و ابراز این علاقه‌مندی نیز هستند. در منابع دینی نیز به همین واقعیت اشاره گردیده و هم به‌صورت عام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۸۱) و هم به‌صورت خاص در خانواده سفارش شده است که باید دوستی خودش را ابراز و اظهار نماید. رسول اکرم^(ص) می‌فرماید: گفتن مرد به همسرش که تو را دوست دارم هرگز از قلب زن خارج نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹). در روایت دیگری امام صادق^(ع) می‌فرماید: زن باید عشق و علاقه خود به همسرش را با دلربایی اظهار نماید (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۳). ابراز علاقه و محبت، به معنای اظهار رضایت فرد از تعلق خاطرش به طرف مقابل بوده و باعث استحکام بیشتر دلبستگی گردیده و نیاز به توجه را در فرد اشباع می‌کند؛ لذا لازم است که اعضای خانواده، علاقه‌مندی خود به همدیگر را اظهار نموده و به این مسئله نیز توجه داشته باشند که در قالب چنین اظهارات و ابراز تمایلات عاطفی است که فضای خانواده لبریز از محبت و دوستی می‌شود.

امام سجّاد^(ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حقّ همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجلّ او را مایه آرامش و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر تو می‌باشد؛ پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما، هرچند حقّ تو بر او بیشتر است؛ ولی حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۲). در روایت دیگری وقتی پیامبر اکرم^(ص) بر خانه امیرالمؤمنین^(ع) وارد شدند، بلافاصله حضرت زهرا^(س) از مصلاي خود بلند شده و به سمت پیامبر^(ص) رفتند و سلام کردند و حضرت نیز پس از جواب سلام بر سر ایشان از محبت دست کشیدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۳۷).

۴-۱-۱-۲- معرف دوم: خوش‌گفتاری

از نشانه‌ها و معرف‌های مهرورزی به خانواده می‌توان از خوش‌گفتاری نام برد، یعنی همان ارتباط کلامی بین اعضای خانواده که با سه ویژگی «خوب سخن گفتن»، «سخن خوب گفتن» و «خوب شنیدن» همراه است.

برخی از ویژگی‌های خوش‌گفتاری که از آیات و روایات به دست می‌آید، عبارت‌اند از:

۱. کلام نیکو: خداوند در سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» و به مردم نیک بگویید (بقره: ۸۳). مفسران در معنای «حسن» در آیه، احتمالاتی را بیان کرده‌اند: اول: جابر از امام باقر^(ع) در تفسیر این فراز از آیه فرمودند: بگوئید به مردم بهترین چیزی را که دوست دارید به شما گفته شود؛ زیرا که خداوند متعال دشمن می‌دارد کسی را که ناسزا می‌گوید و نفرین می‌کند و بر مردم مسلمان طعنه می‌زند و از گفتن و شنیدن ناسزا باکی ندارد و در سؤال لجاجت و ستیزه می‌کند و در مقابل خداوند متعال دوست می‌دارد کسی را که بردبار بوده و با عفت و پارسا باشد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۵۲). دوم: منظور از قول حسن گفتار نیک و اخلاق خوش است که مورد رضایت و خشنودی خداوند می‌باشد. سوم: مراد آیه امر به معروف و نهی از منکر است. چهارم: مقصود از این جمله گفتار نیک است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۹۸).

از زاویه دیگر، این دستور خداوند عمومی بوده و شامل مؤمن و کافر می‌باشد همان‌طور که از امام باقر^(ع) روایت گردیده است که و همین دیدگاه را نیز فخر رازی از حضرت نقل نموده و آن را قبول می‌کند و دلیل بر آن را نیز امر خدا به حضرت موسی^(ع) و هارون^(ع) می‌داند که در برابر فرعون دستور به قول نرم و لین فرموده است و همچنین دستور به پیامبر^(ص) که مأمور به ترک خشونت و غلظت شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۸۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۸). پس درباره سلامت خانواده فرقی درباره مخاطب نیست که ایمان یا کفر او مؤثر باشد؛ زیرا در ارتباطات کلامی آنچه که مهم است سالم‌بودن فضای خانه است که مشحون از ادب و متانت در گفتار باشد تا فضای خانه را مسموم نکند. البته این مطلب منافاتی با وظیفه تأدیب ندارد که گاهی در این مقام نیاز به کلام شدیداللحن هست.

اختلاف در خانه گاهی با سخنان ناشایست اتفاق می‌افتد همان‌طور که قرآن می‌فرماید: به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان به وسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می‌کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است! (اسراء: ۵۳). مقصود از جمله «اللّٰتِ هِيَ اَحْسَنُ» کلماتی است که، مشتمل بر ادب، خالی از خشونت و ناسزا و در یک کلام، نیکوترین باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۱۸). جمله «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ» علت امر می‌باشد و جمله آخر آیه نیز تعلیل برای آن است؛ لذا می‌توان چنین گفت که بسیاری از اختلافات، ناشی از روابط کلامی نادرست در خانواده است.

همچنین در این زمینه و از معرف‌های سلبی می‌توان به آیه «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات: ۱۱) اشاره نمود که خداوند متعال با صیغه نهی که دال بر حرمت است می‌فرماید: و با القاب

زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید.

۲. قول میسور: این معرف از سوره اسراء به دست می‌آید که با تعبیر میسور یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ بِنِعْمَةٍ رَّحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا» (اسراء: ۲۸)؛ و هرگاه از آنان [مستمندان] روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو!

«میسور» از ماده «یسر» به معنی راحت و آسان است گرچه در اینجا از جهت مفهومی وسعت دارد و شامل هر گونه سخن نیک و برخورد همراه با احترام و محبت می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۸۹). گاهی در خانواده به‌خاطر مشکلات اقتصادی و تنگناهای مالی انسان در شرایط مناسبی قرار ندارد؛ لذا اینجا است که اعضای خانواده باید با گفتار ملایم و همراه با لطف و احترام با یکدیگر سخن بگویند خصوصاً با پدر که مسئولیت اقتصادی خانواده را بر دوش دارد.

۳. سخن پاکیزه: در قرآن کریم برای هر گفت‌وگویی شیوه‌ای خاص از گفتار سفارش شده است مثلاً گفت و گوی با پدر و مادر یا گفت‌و گوی مسلمانان با یکدیگر و یا با کفار و یا با رهبری جامعه و...، مانند: قول حسن، قول معروف، قول لین، قول سدید، قول کریم. حال در این آیه توصیه به سخن پاکیزه گفتنی شده است: «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» (حج: ۲۴) و به‌سوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند.

«قول طیب» کلامی است که در آن خبائث نباشد و در مقابل، کلام خبیث به معنای کلامی است که باطل باشد با همه اقسامی که باطل دارد که می‌تواند شامل ناسزا، تهمت، بدگویی و هر سخن نسنجیده‌ای باشد که پروردگار هستی آن را از مؤمن نپسندد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۳۶۲). به عبارت دیگر: رعایت نکردن عفت در کلام، عدم مطابقت با واقع، پرهیز نکردن از گناهان زبانی همه از مصادیق کلام خبیث است.

در روابط اعضای خانواده با یکدیگر، زمینه الفاظ ناشایست که باعث شکسته شدن دل طرف مقابل می‌گردد و روابط زن و شوهر را با یکدیگر و یا فرزندان با والدین و یا فرزندان با یکدیگر تیره نماید، فراوان به وجود می‌آید که در اینجا لازم است اعضای خانواده با سخن پاک و خالی از کنایه و کاملاً سنجیده با یکدیگر سخن بگویند.

یکی دیگر از مصادیق قول پاکیزه را می‌توان قدردانی زبانی از یکدیگر دانست. قدردانی پاداش رفتارهای انجام شده است و نقش تقویتی دارد به این معنا که قدردانی از دیگران آنها را به خدمت بیشتر تقویت کرده و در مقابل نادیده گرفتن خدمات دیگران، موجب دلسردی و فاصله بین آنها می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۹-۲۴۲).

۴. سخن بزرگوارانه: از آنجا که احترام به والدین در آموزه‌های قرآنی و روایی مورد توجه می‌باشد و جایگاه بلندی برایشان در نظر گرفته شده است به‌طوری که بعد از مسأله توحید آن را از اوجب واجبات مطرح می‌نماید همان‌طور که عاق والدین را بعد از شرک به خدا بزرگترین گناهان کبیره دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۷۹). قرآن کریم بعد از بیان احسان و نیکی به ایشان

می‌فرماید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳)؛ و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! «اف» کلمه‌ای است که با آن اظهار تنفر و انزجار می‌شود؛ زیرا وقتی انسان چیزی را ناخوشایند بدارد در مقام اظهار کراهت «اف» می‌گوید و «نهر» پرخاش با صدای بلند و کلمات غلیظ و شدید است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۷۹)

در واقع در این آیه انسان‌ها را از به‌کار بردن کلماتی که خلاف ادب و احترام است؛ مانند گفتن کلمه «اف» که ناراحتی فرزند و ناخوشایندی وی را می‌رساند خودداری نمایند. ایشان باید از گفتن کلماتی که باعث رنجش آنان می‌شود مانند: داد زدن و یا درشت سخن گفتن با آنان پرهیزند و خداوند متعال بر عهده همه انسان‌ها واجب گردانده است که والدین خود را اکرام نموده و در معاشرت و گفت‌وگوی با ایشان در همه زمان‌ها خصوصاً در حالاتی که نیاز بیشتری به آن دارند ادب تام را رعایت نمایند.

یکی از مواردی که در خوش‌گفتاری مؤثر است «خوب گفتگوکردن» می‌باشد؛ یعنی خوب حرف‌زدن و خوب گوش‌دادن است. پنهان‌گویی و به تعبیر عرفی در گوش‌حرف‌زدن و یا در میان کلام همدیگر پریدن، از مصادیق روشن بی‌احترامی است که مناسبات عاطفی خانواده را مختل می‌سازد. حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هر کس در میان سخن برادر مسلمانش [که مشغول سخن‌گفتن است] بدود و سخن او را ببرد؛ مانند این است که روی او را خراشیده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۰) در میان جمع خانواده‌ای که حداقل سه نفر وجود داشته باشند نباید دو تن از ایشان درگوشی با هم سخن بگویند؛ زیرا که چنین عملی باعث اذیت و غمگینی دیگری و دیگران می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۰۵).

خانواده‌ای که اعضای آن در میان کلام یکدیگر می‌پرند و سخنان همدیگر را قطع می‌کنند در واقع خانواده‌ای است که حریم‌ها را شکسته است و اعضای آن مدام در معرض بی‌حرمتی در درون خانواده قرار گرفته‌اند. درگوشی صحبت‌کردن، نشان‌دهنده احساس بیگانگی و بی‌اعتمادی در میان اعضای خانواده است و این یعنی انهدام پیوند عاطفی در خانواده؛ بنابراین برای تحکیم مناسبات عاطفی در خانواده، ضروری است که آداب خوب گفتگوکردن یعنی خوب گوش‌دادن و خوب حرف‌زدن نیز به‌خوبی رعایت گردد.

۴-۱-۱-۳- معرف سوم: بوسیدن فرزندان

یکی از نشانه‌های مهرورزی در خانه و شدت محبت به فرزند که سبب جلب رحمت خدا می‌گردد (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰)، بوسیدن فرزندان است. در روایت وارد شده است: دوست داشتن فرزندان، پرده‌ای در برابر آتش است، و غذا خوردن با آنان، برات آزادی از آتش، و گرمی داشتن آنها، موجب گذشتن از صراط (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ص ۳۴۴) و در روایت دیگری که شخصی خدمت پیامبر اسلام (ص) آمد و عرض

کرد: تاکنون هیچ یک از فرزندانم را نبوسیده‌ام، حضرت فرمودند: در نظر من این شخص از اهل آتش است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۹) و در روایتی پیامبر اکرم^(ص) بوسیدن فرزند را مصداقی از رحمت دانستند و سیره خود ایشان پیوسته این بوده است که حسنین^(ع) را می‌بوسیدند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۸۵).

۴-۱-۲- شاخص خوشرویی

بسیاری از احساسات انسان‌ها با حالات چهره، تماس چشمی، تن و آهنگ صدا، حرکات بدنی، لبخند و... ابراز می‌شود و لذا لازم است که اعضای خانواده با خوشرویی با یکدیگر تعامل نموده و سعی نمایند که با ترش‌رویی و گرفتگی حالت، فضای عاطفی محیط خانواده را ناسالم نسازند. کلید گشودن ارتباط با بشاشیت و خوش‌رو بودن است که سبب جلب محبت نیز می‌گردد. (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۶۹) و در روایت گشاده‌رویی را علامت ایمان دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۶). در روایات اهل‌بیت^(ع) از کلماتی همچون وجه منبسط، البشر، حسن البشر، بشر حسن، طلاقة الوجه و البشاشة به‌عنوان عبارات مترادف با خوشرویی استفاده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۳).

وجه منبسط همان چهره خالی از احتشام و عبوسی است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۹۵) و «البشر» به معنای طلاقت و وجه منبسط است (همان، ج ۴، ص ۶۱) و قید حسن نیز تأکید در گشاده‌رویی و نیکویی آن است و طلاقة الوجه نیز به معنای آشکارسازی سرور در چهره است (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۹) که همه اینها در دایره خوشرویی قرار می‌گیرند. وقتی در روایات فراوان از اهمیت و ضرورت خوشرویی با سایر برادران ایمانی یاد می‌شود، شایستگی و بایستگی آن برای برخورد درون خانواده دوچندان می‌گردد و لذا در روایات به این موضوع خصوصاً در محیط خانواده و بالاخص همسر، از معصومان^(ع) روایت صادر گردیده است. گشاده‌رویی و خوشرویی رفتار محبت‌آمیزی است که مستلزم رنج و رحمت نیست و اولین عطیه و راحت‌ترین سخاوت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۴). در رابطه با مواجهه فرزندان با پدر و مادر، امام صادق^(ع) در حدیثی می‌فرماید: هر کس به پدر و مادر خویش نگاه خیره‌ای داشته باشد، حتی اگر پدر و مادر به او ظلم کرده باشند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند و چنین نگاهی را عمل عاق شدن بیان کرده‌اند (کلینی، ۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴۹).

در آموزه‌های روایی مصداق‌های حسن خلق را چنین شمرده‌اند و هشت مصداق عینی را برای آن بیان نموده‌اند: الفت‌گیری و الفت‌پذیری (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۴۹)؛ نرم‌خویی و انعطاف‌پذیری (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۲)؛ خوش‌گفتاری (همان)؛ خوش‌رویی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۳)؛ شوخ‌طبعی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۳)؛ خرسند شدن در خوشایندها و عصبانی نشدن در ناخوشایندها (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۷)؛ مهار خشم (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹۰) و گشایش بر خانواده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۹۴؛ ر.ک. پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۷۸). برای خوشرویی نیز می‌توان معرف‌هایی را از منظر قرآن و روایات بیان نمود:

۴-۲-۱-۱- معرف اول: تبسم

ارتباط چشمی متعادل با اعضای خانواده و تبسم در صورت ایشان به ویژه در هنگام سخن گفتن، معرف بارزی از خوشرویی محسوب می‌شود و در روایت حتی آن را حسنه محسوب کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸۸؛ خطیب، بی‌تا، ص ۱۸۸) البته آفت لبخند که نشانه تحقیر و تمسخر است و با قرائن حالی و ضامم رفتاری قابل‌شناسایی هستند را باید مراقبت نمود و نیازمند توجه به رفتارهای ضمیمه نیز هست.

در حقیقت، نشاط، خوشرویی و شادی در خانواده ایمان مذهبی و معنویت را در خانواده تقویت می‌کند. علت آن نیز این است که شخص باایمان به واسطه ارتباطات و اعتقادات معنوی کمتر احساس پوچی، رهاشدگی و تنهایی می‌کند (استادی و سالاری فر، ۱۳۹۵، ص ۶۱).

۴-۲-۱-۲- معرف دوم: آراستگی چهره

باید دانست که پیرایش و آرایش چهره نیز از مهارت‌هایی است که لازم است مورد توجه قرار گیرد و به‌عنوان نمودی بارز از خوشرویی لحاظ گردد. همسری که با چهره آراسته با همسر خود مواجه می‌شود، میزان علاقه‌مندی خود را به او نشان می‌دهد و به وی این نکته را منتقل می‌کند که برای او ارزش و احترام خاصی قائل است؛ گرچه در منابع و حیانی با توجه به تفاوت‌های جنسیتی که بین زن و مرد وجود دارد، تأکید بیشتری بر آراستگی زن در برابر شوهر صورت گرفته است، ولی مردان نیز بدین‌وسیله، به همسران خود ابراز توجه کرده، سلامت اخلاقی آنها را تضمین می‌کنند.

همان‌طور که در سیره برخی از معصومان^(ع) آمده است: شخصی می‌گوید: امام موسی بن جعفر^(ع) را دیدم که خضاب کرده بود. به ایشان عرض کردم: فدایت شوم، خضاب کرده‌اید؟! فرمود: آری، نظافت و آراستگی مردان از اموری است که بر عفت زنان می‌افزاید و عفت زنان از آن‌رو کاهش یافته است که شوهران آنها به سر و روی خود نمی‌رسند. سپس فرمود: آیا مایلی همسرت را در وضعیت نامناسبی از حیث نظافت و آراستگی ببینی؟ گفتم: نه. حضرت فرمود: پس در مورد همسرت نیز این را نپسند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۷).

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر بر اساس تحلیل آیات و روایات، مؤلفه کانونی سلامت معنوی در تربیت عاطفی در حیطه خانواده کشف شد. سپس شاخص‌ها و معرف‌های آن تبیین شد. امتیاز اصلی این پژوهش تأکید بر سلامت معنوی در «ساحت خانواده» است که کمتر در پژوهش‌های دیگر به آن پرداخته شده است. سلامت معنوی در خانواده به معنای «برخورداری اعضای خانواده از دیدگاهی هدفمند و هماهنگ با نظام خلقت در راستای عبودیت پروردگار هستی که در جهت‌دهی عواطف و اثرگذاری بر عملکرد اعضای خود نقش اساسی و برجسته‌ای دارد» است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد: «تبادل عاطفی مثبت» مؤلفه کانونی سلامت معنوی در

تربیت عاطفی در حیطه خانواده است. این مؤلفه کانونی در همه حوزه‌های ارتباطی عاطفی انسان و بر همه ابعاد انسان (بینشی، گرایشی و رفتاری) اثرگذار است. بر اساس آیات و روایات به این نتیجه رسیدیم که این مؤلفه کانونی دارای دو شاخص «مهرورزی» و «خوش‌رویی» است. شاخص مهرورزی دارای معرف‌های «ابراز احساسات صادقانه در خانواده»، «خوش‌گفتاری» و «بوسیدن فرزندان» است و شاخص خوش‌رویی، دارای معرف‌های «تبسم» و «آراستگی چهره» است.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی؛ چاپ سوم، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۹ ش.
- نهج البلاغه؛ تحقیق صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
- صحیفه سجادیة.
- آراسته خو، محمد؛ نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی؛ چاپ سوم، تهران: چاپخش، ۱۳۸۱ ش.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ چاپ اول، قم: موسسه سید الشهداء، ۱۴۰۳ ق.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ چاپ اول، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی ره، ۱۳۶۳ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر؛ تفسیر التحریر و التنویر؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابوالقاسمی، محمد جواد؛ «راهی به سوی تدوین معیارهای سلامت معنوی از نگاه وحی»، مجله تاریخ پزشکی، شماره ۲۹، ۱۳۹۵ ش.
- احمدی، علی اصغر؛ روان شناسی روابط درون خانواده؛ چاپ سوم، تهران: پرکاس، ۱۴۰۱ ش.
- استادی مجید؛ سالاری فر، محمد رضا؛ «نقش عوامل عاطفی-روانی در تحکیم خانواده از منظر آیات و روایات با رویکرد سبک زندگی اسلامی»، مجله پژوهش‌نامه سبک زندگی، شماره ۳، ۱۳۹۵ ش.
- امیدواری، سپیده؛ «سلامت معنوی، مفاهیم و چالش‌ها»؛ مجله پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱، ۱۳۸۷ ش.
- باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ چاپ بیستم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۸ ش.
- بی ریا، محمدناصر؛ «مرزها و اصول روابط خانواده در قرآن کریم» مجله معرفت، شماره ۳، ۱۳۷۱ ش.
- پسندیده، عباس؛ اخلاق پژوهی حدیثی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
- قیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ تحقیق مصطفی درایتی؛ چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- جمعی از نویسندگان؛ مجموعه مقالات معنویت‌گرایی در جهان معاصر؛ چاپ اول، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۷ ش.
- حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- حر عاملی، محمد بن الحسن؛ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی؛ «سیاست‌های کلی سلامت»، <https://khl.ink/f/26083> ۱۳۹۳/۱/۱۸
- _____؛ «سیاست‌های کلی خانواده»، <https://khl.ink/f/34254> ۱۳۹۵/۶/۱۳

- خطیب، عبد الکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن؛ چاپ اول، بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
- خطیب، سیدمهدی؛ مهارت‌های زندگی؛ قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، بی تا.
- ساروخانی، باقر؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده؛ چاپ بیستم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۹۳ ش.
- سالاری فر، محمد رضا؛ زوج درمانی با روی آورد اسلامی؛ چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ ش.
- شجاعی، محمد صادق؛ درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی؛ چاپ هفتم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ ش.
- داوورپناه، محمدرضا؛ واژه‌نامه فرهنگ توصیفی علوم تربیتی؛ مشهد: به نشر، ۱۳۷۸ ش.
- صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة؛ چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار؛ چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
- طیب، عبد الحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ ش.
- عباسی، محمود؛ دهقانی، غزاله؛ رضایی، راحله؛ «الزامات حقوقی اسناد بین المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش‌های فراروی آن»، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۳، ۱۳۹۴ ش.
- عزیز، فریدون و همکاران (گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران)؛ سلامت معنوی چپستی چرایی و چگونگی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۹۴ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ چاپ اول، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فضل الله، محمد حسین؛ من وحی القرآن؛ چاپ اول، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن؛ تفسیر الصافی؛ چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- قمی، عباس؛ مفاتیح الجنان؛ چاپ اول، مشهد: انتشارات سنبله و انتشارات ولایت، ۱۳۷۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید؛ المؤمن؛ قم: مؤسسه الإمام المهدي^(ع)، ۱۴۰۴ ق.
- متقی، علی بن حسام‌الدین؛ کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال؛ تنظیم بکری حیانی و صفوه سقا؛ بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار^(ع)؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء

التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

- محمدی ری شهری، محمد؛ تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث؛ چاپ دوم، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
- مشکی، مهدی؛ «تأملی بر واژه سلامت معنوی اسلامی»؛ مجله فرهنگ و ارتقاء سلامت، شماره ۱، ۱۳۹۶ ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، ۱۳۹۱ ش.
- مظاهری سیف، حمید رضا؛ «سلامت معنوی از منظر اسلام»، مجله مطالعات معنوی؛ شماره ۲۵، ۱۳۹۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- موسوی، اشرف السادات؛ «عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده»، مجله اندیشه و رفتار؛ شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۹ ش.
- ورام، ابن ابی فراس؛ مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
- نویری، علی رضا؛ «بررسی مفهوم معنویت با تأکید بر بازشناسی معنویت قدسی»، مطالعات معنوی، شماره ۲۵، ۱۳۹۷ ش.
- نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ چاپ اول، قم: موسسه آل البيت^(ع)، ۱۴۰۸ ق.

